

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰/۰۸/۱۶

## ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۲۲ مرداد [اسد] ماه

### جنگالی جدید بر سر "مکتب ایرانی" و "مکتب اسلامی"

در سراسر این هفته، بلوای جدیدی در درون باندهای حکومت اسلامی به راه افتاده بود. گروهی از نزدیکترین حامیان احمدی‌نژاد به مخالفت و رودروئی با رئیس دفتر وی برخاستند. ظاهراً نزاع بر سر ایران‌گرایی و اسلام‌گرایی بود. اما در واقعیت، کشمکش دیگریست بر سر قدرت و جهت‌گیری سیاسی آنچه که اکنون در درون هیأت حاکمه می‌گذرد. بنابراین خلاف ظاهر قضیه، نزاعی شخصی با یک فرد خاص که مقامی در درون کابینه است، در میان نبود. این یک درگیری غیر مستقیم میان باند احمدی‌نژاد، با باند دیگری در درون قدرت حاکم بود. اگر جز این می‌بود، نمی‌توانست یک هفته تمام به جدالی تبدیل شود که اغلب سران و مقامات حکومت را درگیر آن کند.

اسفندیار رحیم‌مشائی در گردهمایی گروهی از ایرانیان خارج از کشور بر اولویت "مکتب ایرانی" در برابر "مکتب اسلامی" تأکید کرد و در توضیحات بعدی خود گفت:

"از مکتب اسلام دریافت‌های متنوعی وجود دارد، اما دریافت ما از حقیقت ایران و حقیقت اسلام، مکتب ایران است و ما باید از این به بعد مکتب ایران را به دنیا معرفی کنیم."

این اظهارات گرچه به صراحت مکتب ایرانی و اسلامی را در برابر هم قرار می‌دهد، اما حرف جدیدی نبود. اکنون مدتیست که احمدی‌نژاد بر ایرانی‌گری تأکید می‌کند و پیش از مشائی به زبانی پوشیده‌تر همین نظر را ابراز داشته بود. هدف او هم پوشیده نیست. وی برای رسیدن به اهداف خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند. او از این طریق می‌کوشد با جلب حمایت گروه‌های ناسیونالیست و توده مردمی که گرایش‌های ناسیونالیستی در درون آن‌ها وجود دارد، جبهه خود را در برابر تمام گروه‌های رقیب تقویت کند. مشائی، شاگرد احمدی‌نژاد است و در خدمت عوام‌فریبی سیاسی وی. همان گونه که احمدی‌نژاد می‌کوشد تمام فجایعی را که در ایران رخ داده و می‌دهد، به گروه‌های دیگر نسبت دهد و خود را حتماً مخالف آن‌ها وانمود کند، مشائی نیز می‌کوشد با طرح "مکتب ایرانی" بر وحشی‌گری، شکست و رسوائی اسلام‌گرایی و حکومت اسلامی در ایران سرپوش بگذارد و توده‌های مردمی را که

از حکومت اسلامی بیزارند، فریب دهد. از این‌روست که وی در استدلال‌های خود برای قرار دادن "مکتب ایران" به جای "مکتب اسلام" می‌گوید: آنچه که از اسلام به دنیا معرفی می‌شود، اسلامی تاریک و سیاه است. عمده تصاویر ارائه شده از اسلام در رسانه‌ها به خانه‌های خراب، فقر عمیق و لباس‌های سیاه و خاک‌آلود، صدها خبر از فقر و فلاکت در سرزمین‌های اسلامی، افرادی که از بریدن سر انسان لذت می‌برند، زنانی که شهروند درجه دوم‌اند و از حقوق یکسانی با مردان برخوردار نیستند، اختصاص دارد.

گویا که امثال احمدی‌نژاد و مشائی از این صحنه‌های فجیع بیزارند، با آن‌ها مخالفند و حالا می‌خواهند با قرار دادن "مکتب ایرانی - اسلامی" به جای "مکتب اسلامی - ایرانی" اوضاع را دگرگون کنند. اما هدف این عوام‌فریبی نیز چیزی جز تلاش احمدی‌نژاد برای نجات جمهوری اسلامی نیست. شیوه‌هایی که او برای رسیدن به این هدف در پیش گرفته است، بر سر هر مسأله‌ای می‌تواند به اختلافات و شکاف‌های جدیدی در درون باندهای حاکم بینجامد و با منافع متحدین خود وی در تضاد قرار گیرد. از همین جاست که بحث "مکتب ایرانی"ی مشاور و رئیس دفتر احمدی‌نژاد، با واکنش شدیدی از سوی برخی حامیان و متدین وی روبرو می‌گردد. سران دستگاه روحانیت حامی وی از نمونه احمد خاتمی، مصباح یزدی و شیخ محمد یزدی، از این که گویا "مکتب ایران" می‌خواهد جایگزین "مکتب اسلام" شود برآشفته شدند. مصباح، رئیس دفتر احمدی‌نژاد را غیر خودی خواند و تهدید کرد که "اول تذکر می‌دهیم و سپس بر او چوب خواهیم زد." یزدی گفت: که مشائی اظهار نظرهای غلط و بی‌جا کرده است. وی از احمدی‌نژاد خواست که تکلیف او را روشن کند و دیگر اجازه حرف زدن به وی ندهد. اما شدیدترین حمله از سوی فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، بود که او را خدمتگزار "سیاست آب‌سرمایه‌داری" و مجرم نامید و افزود:

"این قبیل اظهارات را انحراف و جرم علیه امنیت ملی و حمله به ارکان نظام می‌دانیم." وی از وزارت اطلاعات و دستگاه قضائی خواست به جرایم وی رسیدگی کنند، و خطاب به احمدی‌نژاد گفت:

"من به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح این‌ها را حمله به ارکان نظام می‌دانم. امیدوارم که آقای رئیس جمهور جلو این کار را بگیرد و این قضیه در همان‌جا حل شود."

اما از واکنش مشائی که در سراسر این هفته در هر مناسبتی حضور علنی یافت و به ایراد سخنانی پرداخت و چندین مصاحبه داشت، روشن بود که قراری نیست بر سر این مسأله عقب‌نشینی صورت بگیرد. وی مخالفن خود را "باندهای قدرت و ثروت و عناصر عوام‌فریب" نامید و افزود: اسلام ناب محمدی همان چیزی است که او می‌گوید. در عین حال وی گفت: رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را به دادگاه خواهد کشید. سرانجام هم احمدی‌نژاد مستقیماً وارد معرکه شد و نه فقط از مشائی دفاع نمود، بلکه به همه آن‌هایی که به مخالفت با رئیس دفتر و مشاور وی برخاسته بودند، اعلام کرد که طرف حساب شما من هستم و آنچه که مشائی گفته است، دیدگاه من است. احمدی‌نژاد، روز چهارشنبه در حاشیه جلسه دولت در پاسخ خبرنگاران پیرامون موضع وی درباره "مکتب ایرانی" و مشائی گفت: "آقای مشائی، رئیس دفتر رئیس جمهور هستند و به ایشان اعتماد کامل دارم. عده‌ای که اصرار دارند، ملت ایران در دوره قبل از اسلام، ملتی بی‌فرهنگ بوده است، آماده و منتظر فرصت و بهانه‌ای هستند که دولت را مورد حمله و هجمه قرار دهند. من هم گفته‌ام، ایران یک مکتب است و بسیاری در دنیا ایران را پرچمدار ایجاد تمدن آینده بشر می‌دانند."

احمدی‌نژاد، با این موضع‌گیری تکلیف را یکسره کرد. اکنون گروه‌هایی که طرف حساب خود را مشائی قرار داده بودند، چاره‌ای جز این ندارند که یا بر سر مسایل مورد اختلاف کوتاه بیایند و یا مستقیماً با احمدی‌نژاد درگیر شوند.

وقتی که رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اظهارات مشائی را اقدام علیه نظام می‌داند و او را مجرمی که سیاست بیگانگان را پیش می‌برد و یا مصباح یزدی و شیخ محمد یزدی غیر خودی و نفوذی می‌دانند که باید تکلیفش روشن شود، اما احمدی‌نژاد می‌گوید: آنچه که او می‌گوید، من نیز گفته‌ام و او مورد اعتماد من است، راه گریزی باقی نمانده است. اختلاف جدیدی در میان باندهای درونی هیأت حاکمه پدیدار شده است که همانا آشکار شدنش، نشانه تشدید این اختلاف و عمیق‌تر شدن شکاف در درون حامیان و متحدین احمدی‌نژاد است. با این شکاف، پایه‌های پوسیده رژیم بیش از پیش متزلزل خواهد شد.

### جدال رئیس قوه قضائی با رئیس قوه اجرائی

ابراز علنی مخالفت رئیس قوه قضائی جمهوری اسلامی با رئیس قوه اجرائی رژیم، یکی دیگر از رویدادهای سیاسی این هفته بود. رئیس قوه قضائی، آملی لاریجانی در اجلاس این هفته مسؤلان دستگاه قضائی آنچه را که در روز خبرنگار علیه ارگان تحت ریاست وی ابراز شده بود، مورد نکوهش قرار داد و به ویژه احمدی‌نژاد را مورد حمله علنی قرار داد.

اجلاس خبرنگاران، در روز خبرنگار امسال، تبدیل به اجلاس محکومیت بیدادگری‌های دستگاه قضائی جمهوری اسلامی گردید که یکی از وظایفش همواره تعطیل کردن مطبوعات، محاکمه و محکوم کردن روزنامه‌نگاران بوده است. احمدی‌نژاد نیز که چنانچه می‌دانیم یکی از تاکتیک‌های عوام‌فریبانه‌اش این است که خود را مخالف این سرکوبگری‌ها جا بزند و از آن وسیله‌ای برای تسویه حساب با گروه‌ها و ارگان‌های دیگر بسازد، اوضاع را مناسب یافت که در سخنرانی‌اش تمام سرکوبگری‌ها علیه مطبوعات را بر عهده قوه قضائی قرار دهد و بگوید که با تمام این اقدامات مخالف بوده و هست.

وی گفت: "اگر مقاله‌ای در نقد شخصی نوشته شد نباید فوری با آن برخورد کرده و به هر قیمتی نویسنده را محکوم کرد. به صراحت می‌گویم که دولت چنین اقداماتی را قبول ندارد." این البته اظهار نظر یک آدم عوام‌فریب است که دستگاه سانسور موسوم به وزارت ارشادش، حتا اجازه چاپ مجدد کتاب‌هایی را که سال‌ها پیش با مجوز رسمی رژیم اجازه انتشار یافته بودند، نمی‌دهد. معهدا سخنان احمدی‌نژاد برای رئیس دستگاه قضائی رژیم نیز فرصت مناسبی بود که مخالفت رسمی و علنی خود را با رئیس جمهوری اسلامی ابراز دارد.

آملی لاریجانی گفت: در روز خبرنگار مطالبی غیر منصفانه راجع به قوه قضائی مطرح شده و شخص رئیس جمهور هم در آن شرکت کرده است. گفته‌اند که قوه قضائی مسأله آزادی خبرنگاران را تحت تاثیر قرار داده و گاهی خبرنگاران را محکوم یا روزها و ماه‌ها در راهروهای دادگاه‌ها کشانده‌اند. آملی لاریجانی پس از آن که از احکام قضات تحت امرش علیه روزنامه‌نگاران دفاع می‌کند، وارد بحث اصلی خود در مجادله با احمدی‌نژاد می‌شود و می‌گوید:

آنچه در این میان مهم است نحوه گفتار و نسبت‌هایی است که رئیس جمهور به قوه قضائی داده‌اند. ولی لحن و ادبیات احمدی‌نژاد را مورد انتقاد قرار داد و از وی خواست که این ادبیات را اصلاح کند و بساط توهمین را جمع کند. اما اختلاف میان دو ارگان اجرائی و قضائی رژیم جمهوری اسلامی آن‌گونه که مطبوعات برجسته‌کردند بر سر لحن و ادبیات نیست. اختلاف بسیار جدی‌تر از آن است که در ظاهر نشان داده می‌شود. احمدی‌نژاد که تمرکز هر چه بیش‌تر قدرت را در دستگاه اجرائی، هدف خود برای غلبه بر بحران‌های جمهوری اسلامی قرار داده است، می‌کوشد دو ارگان مقتنه و قضائی رژیم را که ادعای استقلال از قوه اجرائی دارند، کاملاً تابع دستگاه اجرائی نماید.

کشمکش بر سر این مسأله از مدت‌ها پیش در جریان است. نزاع مجلس و کابینه، دیگر بر کسی پوشیده نیست. احمدی‌نژاد به مصوبات مجلس اهمیتی نمی‌دهد، تنها آنچه را که خود، قانون تشخیص می‌دهد به مرحله اجراء درمی‌آورد و نه هر آنچه را که مجلس شورای اسلامی تصویب کرد. وی در همین هفته بار دیگر اعلام کرد: "آنچه را که اجراء نمی‌کند، قانون نیست." پس معیار این که مصوبه مجلس حکم قانون را دارد یا نه، خود وی و دستگاه اجرائی‌ست. او افزود: این که مثلاً بیابند اختیارات رئیس‌جمهور را سلب و به کسی دیگر بدهند، شدنی نیست... یا این که کسی جرأت کند اختیارات رهبری را کم کند، شورای نگهبان نپذیرد و بعد ببرند مجمع تشخیص مصلحت که تصویب شود، این قانونی نیست.

همین نزاع به شکلی دیگر میان قوه اجرائی و قضائی در جریان است. رئیس دستگاه قضائی رژیم نیز در پایان صحبت خود به اصل نزاع اشاره می‌کند و می‌گوید: کسانی که چکمه پوشیدند و مجلس را به توپ بستند با مقدماتی این کار را کردند و حالا می‌بینیم که به رئیس مجلس توهین می‌کنند. اکنون کار به جایی رسیده است که می‌گویند مجلس را به توپ می‌بندیم.

وی به طور ضمنی مقدمات به توپ بستن مجلس دوران مشروطیت را با اقدامات و تهدیدات احمدی‌نژاد و طرفداران او قیاس می‌کند و می‌خواهد بگوید که هدف احمدی‌نژاد تابع کردن تمام قواء به دستگاه اجرائی یا برچیدن آن‌هاست. گر چه هدف جز این نیست، اما قطعاً تفاوت‌هایی میان آن دوران و امروز وجود دارد. قوای تقنینی و قضائی رژیم همانند قوه اجرائی، دستگاه استبداد حکومت مذهبی و ابزار اسارت توده‌های مردم ایران بوده و هستند. بنابراین بود و نبودشان برای مردم ایران، توده مردمی که خواهان برافتادن جمهوری اسلامی با تمام نهادها و ارگان‌های آن هستند، بی‌تفاوت است.

### سرمایه‌داران بخش خصوصی و مسأله تحریم‌ها

نمایندگان سرمایه‌داران بخش خصوصی متشکل در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، در اجلاس ماهانه خود در این هفته، تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت، اتحادیه اروپا، امریکا و برخی کشورهای دیگر را مورد بحث قرار دادند. آن‌ها عواقب این تحریم‌ها را بر وضعیت اقتصادی ایران، منافع به ویژه سرمایه‌داران بخش صنعتی مورد ارزیابی قرار دادند و خواهان جبران به اصطلاح خسارت توسط دولت شدند.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع گفت: این تحریم‌ها تعرض به حقوق فعالان اقتصادی و تهدید امنیت اقتصادی برای فعالان اقتصادی به شمار می‌رود. بنابراین باید برای کاهش تحریم‌ها تلاش کرد و در هر مرحله با گسترش تحریم مقابله جدی شود. وی افزود: بخش خصوصی آمادگی دارد ظرفیت‌هایش را به کار گیرد، اما دولت باید هر گونه مانعی را از سر راه بردارد. کمیته‌ای ویژه ایجاد شود تا آزادی لازم برای فعالیت فراهم گردد. دولت باید خساراتی را که به فعالان اقتصادی وارد می‌شود جبران نماید تا نشاط خود را از دست ندهند و این به معنای نگاه ویژه به اختیارات و تسهیلات ویژه در شرایط ویژه است. وی در عین حال تأکید نمود که حاصل تحریم‌ها بالا رفتن قیمت کالاها می‌شود و آثار آن در بیکاری و گرانی در سطح جامعه دیده می‌شود.

گذشته از این که در طول سی سال گذشته اقتصاد سرمایه‌داری ایران با یک بحران رکود - تورمی همراه بوده و نرخ‌های دو رقمی بالای گرانی و بیکاری بهترین گواه آن است، در این نکته جای تردید نیست که تحریم‌های اقتصادی، این بحران را تشدید و نرخ بیکاری و تورم را باز هم افزایش خواهد داد. اما آیا آن‌گونه که رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن مطرح می‌کند، سرمایه‌داران بخش خصوصی نگران فشاری هستند که از بابت افزایش

قیمت‌ها و بیکاری بر دوش مردم کارگر و زحمتکش وارد خواهد آمد؟ پاسخ قطعاً منفی است. آنچه که همواره فکر و ذهن سرمایه‌داران را به خود مشغول می‌سازد، سود و انباشت سرمایه است. قضیه پوشیده‌ای نیست. هر آدم ناآگاهی هم می‌داند که وقتی سرمایه‌ای در تولید، بازرگانی یا عرصه‌های دیگر خدمات به جریان انداخته می‌شود، سرمایه‌دار هدفی جز این ندارد که از طریق این سرمایه‌گذاری سود عاید خود سازد. حالا می‌خواهد میلیون‌ها زحمتکش بیکار و گرسنه باشند یا نباشند. فشار گرانی و بیکاری به کارگران و زحمتکشان وارد بشود یا نشود.

با در نظر داشتن این واقعیت، نگرانی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و هیأت نمایندگی سرمایه‌داران از چه روست؟ آن‌ها از این بابت نگران‌اند که تحریم‌ها بر حجم سود آن‌ها تأثیر بگذارد و میزان آن را کاهش دهد. تحریم‌ها البته به علت ویژگی‌های اقتصادی سرمایه‌داری ایران، بر تمام بخش‌های طبقه سرمایه‌دار تأثیر یکسانی نخواهد داشت. در حالی که نرخ و حجم سود در رشته بازرگانی می‌تواند شدیداً افزایش یابد، و این امر از آن رو امکان‌پذیر است که واردات کالاهای مصرفی وسعت خواهد گرفت، بالعکس بر میزان سود سرمایه‌داران بخش تولیدی که قدرت رقابت با کالاهای بالنسبه ارزان‌تر وارداتی و یا کیفیت بالاتر آن‌ها را ندارند، تأثیر منفی خواهد گذاشت. بنابراین روشن است که در این‌جا بحث بر سر کم و زیاد شدن نرخ و میزان سود است. اما این تفاوت میان نرخ و حجم سود، به رغم تمام ویژگی‌های سرمایه‌داری ایران نمی‌تواند دوام داشته باشد و باید نرخ‌های سود، کمابیش یکسان شوند. سرمایه‌داران بخش‌های تولیدی در واقعیت به دولت می‌گویند که اگر قرار است سرمایه‌گذاری در رشته‌های تولیدی ادامه یابد، باید امکانات ویژه‌ای در اختیار آن‌ها قرار گیرد که سود آن‌ها را در سطح متوسط حفظ کند. این، آن چیزی است که بر آن نام جبران خسارت نهاده‌اند. این که دولت با توجه به کاهش درآمد از نفت و گاز و در همان حال افزایش مخارج دستگاه دولتی، تا چه حد می‌تواند، امکانات مادی ویژه‌ای در اختیار این بخش از سرمایه‌داران قرار دهد، بستگی به وضعیت مالی دولت خواهد داشت. اما حتا در صورتی که دولت بتواند چنین امکاناتی را در اختیار آن‌ها قرار دهد، حالا خواه به صورت اعتبارات کلان، بخشودگی متعدد مالیاتی و غیره، در این واقعیت تغییری پدید نخواهد آورد که نرخ بیکاری و تورم در نتیجه تحریم‌ها افزایش خواهد یافت.